

بسم الله الرحمن الرحيم: قطره‌ی ۸۸ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی- هشدار سه کارشناس در مورد بحران آب به عقیده ما ایران و جهان وارد خشک‌سالی عظیم و وحشتناکی گردیده است لذا از وزیر محترم نیرو تقاضا داریم: طرح‌های خود را برای عموم ارائه دهند تا با کمک هم بتوانیم از این بلای خامان‌سوز نجات پیدا کنیم، اگر هم طرح و برنامه‌ای ندارند با شجاعت تمام اعلام نمایند، لازم به ذکر است تمامی لحظات برای ما ارزشمند بوده و هر آن‌قدر که دیرتر برای برون‌رفت از این بحران تلاش نماییم بلای بیشتری به ما می‌رسد، اگر امروز تلاش نماییم آیندگان در مورد ما بد قضاوتی خواهند نمود و ما را نمی‌بخشند هیچ، بلکه لعن و نفرین آیندگان را نیز برای ما به ارمغان خواهد داشت؛ اکتفا نمودن به آب‌های زیرزمینی و عدم تولید آب به معنای هلاکت و دزدی از نسل آینده و خراب نمودن دستاوردهای گذشته و حال و آینده می‌باشد، که متأسفانه ما به این سمت در حال حرکتیم.

۱ نشست نمایش مستند مادر کشی دی‌ماه ۱۳۹۴، دانشگاه فردوسی مشهد دکترا محمدحسین پاپلی زندی، استاد دانشگاه: (مافیای آب)

دوستان یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند، مدت‌ها مسئولین، کسانی که درباره آب حرف می‌زنند به اصل قضیه و به اسرار مگوی آب و پشت پرده آب بحث کنند. ۳۰ سال تمام، فقط ۳ درصد بودجه وزارت نیرو درباره آب زیرزمینی بوده که می‌گویید ۷۰۰ هزار چاه هست و دشت‌ها خشک شد و ... برای اینکه توی آب زیرزمینی، شرکت‌های گردن کلفت مشاور، نمی‌توانستند بروند طرح‌های میلیاردری بگیرند! آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد پول آب رفته توی آب‌های سطحی. رفتند که سد بسازند چون میلیاردها پول هست، رفتند شبکه بزنند چون میلیاردها پول هست! صنایع بسیار بزرگی پشت آن چرخیده! یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل شده، این قدر این مافیا پیچیده شده، مثل ماهی که توی آب هست و شنا می‌کند و مثل ما که توی هوا هستیم و معنی هوا را نمی‌فهمیم، بنده و دکتر داوری و علیزاده و ... معنی آن مافیا را نمی‌فهمیم چون داخلش نیستیم، بازیچه آن‌ها هستیم! باید افشا کنیم بگوئیم سرطان وجود دارد، تو سرطان داری، این سرطان دزدی و مافیا و قاچاق و پول درآوردن شرکت‌های عظیم هست پشت آب، همان معاون وزیر، من که این حرف را می‌گویم، راهم نمی‌دهد بروم توی اتاقش، آن آقای که شرکت گردن کلفت دارد و صدها میلیارد تومان، بلکه هزاران میلیارد تومان توی آب سود برده، برای استقبالش تا پایین آسانسور می‌آید! الآن چه کسانی دنبال این هستند که آب از تاجیکستان بیاورند؟ ۲۷ تا نماینده مجلس هستند! شما نماینده مردم و قانون‌گذار هستید یا تاجر آب؟ هیچ‌کس نیست به آن‌ها بگوید! همه می‌خواهند خودشان را بچسبانند به آن‌ها که یک پولی هم گیرشان بیاید. شجاعت هم لازمه که بگوید آقای وزیر نیرو! توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود! لاقل عقده دل من استاد که حل می‌شود. لاقل من می‌توانم بگویم که دیگر نادان نیستیم! همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! اصلاً مدیران میانی جرتش را ندارند، خدا شاهد هست اگر یک مدیر میانی، مدیر میانی یعنی در حد مدیرعامل شرکت آب، در حد مدیرعامل آبفا، بخواهد پا توی کفش آن مافیا کند، صبح او را عزل می‌کنند. مافیای آب پولش از کجا می‌آید؟ از مصرف می‌آید، نه از کاهش مصرف! آب سد دوستی که می‌آید به مشهد، متری چند تمام می‌شود؟ ۳۸۰۰ تومان. متری چند به مردم می‌فروشید؟ ۱۲۰ تومان، اصلاً بگوئیم ۵۰۰ تومان، ۳۳۰۰ تومان دارید یارانه می‌دهید به آن مافیای گردن کلفت! متری ۳۸ ریال حاضر نیستند برای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف بدهند، چون اگر کاهش مصرف پیدا بشود، به ایشان ضرر می‌رسد.

۲ محمد دویش، مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست: (کدورت ایرانی با ایرانی بر سر انتقال آب)

در صورت تداوم غلبه تفکر سازه‌ای در مدیریت آب، یعنی تفکری که منجر به سدسازی مداوم و اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای می‌شود، بیم آن می‌رود که جنگ آب در ایران شدت پیدا کند. اکنون نشانه‌هایی از کدورت میان خوزستانی‌ها و اصفهانی‌ها بروز کرده و هم‌وطنان خوزستانی به شدت به تعدد طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی‌ها اعتراض دارند. همچنین این‌گونه اختلافات میان هم‌وطنان ما در منطقه سامان در سر شاخه‌های کوه‌رنگ با کاشانی‌ها وجود دارد که به شدت درباره تونل گلاب ۱ و ۲ اعتراض دارند. بختیاری‌ها نیز درباره طرح بهشت‌آباد با اصفهانی‌ها اختلاف دارند و مردم منطقه ناقان با بروجنی‌ها درباره طرح انتقال آب سبز کوه مشکل دارند. همچنین مردم الیگودرز با مردم قم درباره حقایق به شدت مشکل دارند و مردم منطقه تالوار هم اعتراضاتی به دلیل سدی که قرار است در زنجان افتتاح شود و هنوز افتتاح نشده دارند. همچنین مردم منطقه میناب در هرمزگان به شدت نسبت به احداث سد استقلال معترض هستند و معتقدند حقایق تالاب جلگه حاصلخیز میناب برای نیازهای صنعت و شرب به بندرعباس انتقال پیدا کرده است. در منطقه ورزنه همین مشکل را مردم شرق اصفهان با یزدی‌ها دارند و مردم زرین گل در علی‌آباد کنول نیز با مردم شاهرود و سمنان درباره طرح انتقال آب مشکل دارند. لذا دولت باید به جای غلبه این تفکر در مدیریت آب کشور و برهم زدن تراز آبی حوزه‌های آبخیز کشور که منجر به بروز کدورت‌هایی میان مردم می‌شود که حتی اگر مشکل آب حل شود، ممکن است این کدورت‌ها تا چند نسل باقی بماند، از روش‌های جایگزین و کم‌خطرتر استفاده کند. لذا اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می‌توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. لذا قبل از آنکه این منازعات شدت یابد تا وزارت کشور ناچار شود وارد عرصه شود، بهتر است وزارت نیرو این بحران را حل و فصل کند. ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ درحالی‌که اکنون در منطقه آبی‌بیگلو با نشست زمین روبرو هستیم. یا به طور مثال چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب‌های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می‌گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟! مجموع آب شربی که ۷۸ میلیون ایرانی برای یک سال نیاز دارند ۸ میلیارد مترمکعب است. این رقم را مقایسه کنید با ۱۰ میلیارد مترمکعب که کشورهای حوزه خلیج فارس فقط از طریق آب شیرین‌کن‌ها تأمین می‌کنند درحالی‌که مجموع جمعیت کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس نصف جمعیت ایران هم نمی‌شود. من یک لابی و مافیای قدرتمند در بخش آب وجود دارد که فقط ۱۰۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکترا در این مافیا و شرکت‌های اقماری وابسته به وزارت نیرو حقوق می‌گیرند و تداوم حیات این‌ها به طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی است و به هیچ‌وجه حاضر نیستند روش خود را تغییر دهند. اکنون حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در این حوزه هزینه شده و برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام نیازمند ۱۵۰ هزار میلیارد تومان دیگر هستند و این واقعاً وسوسه برانگیز است. لذا علت مسئله منافع اقتصادی ماجرا است که اجازه نمی‌دهد بخش‌های دیگر، متوازن با آموزه‌های توسعه پایدار در کشور رشد کنند و شاید شکل‌گیری برخی بحران‌ها باعث شود آدرس‌های اشتباهی که داده می‌شود تصحیح شود. ما اکنون با بحران جدی تری در کشور روبرو هستیم و آن بحران از دست رفتن خاک ایران است که حتی مهم‌تر از بحران آب می‌باشد. اگر این خاک که برای تولید یک سانتیمتر آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال زمان لازم است از دست برود به هیچ‌وجه قابل جبران نیست. اکنون در خوش‌بینانه‌ترین حالت سالانه دو میلیارد تن خاک ایران در اثر فرسایش از بین می‌رود و با توجه به اینکه ارزش هر تن خاک ۲۸ دلار است یعنی سالانه ایرانیان ۵۶ میلیارد دلار از دست می‌دهند که حداقل ۲ برابر ارزش صادرات نفت ایران است و هیچ‌کس متوجه این خطر نیست. این‌ها همه در حالی است که سال گذشته رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۷ اسفند خود عنوان کردند بحران خاک به مراتب جدی‌تر از بحران آب است و باید برای بحران خاک فکری کرد. در یک برآورد خوش‌بینانه دست کم ۸۰ درصد بحران آب در ایران ناشی از مدیریت نامتوازن با توانمندی‌های اکولوژیکی سرزمین ایران است و تنها ۲۰ درصد آن ناشی از تنگناهای اقلیمی و خشک‌سالی است.

بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است؛ چرا که به باور انبوهی از مردم، این سرزمین همیشه با مشکل کم آبی دست و پنجه نرم کرده و حالا هم وضع بحرانی نیست! همین نگاه تا چندی پیش در بدنه مدیریتی کشور هم دیده می شد و کسی باور نداشت که مشکل داریم. بحث گسترده کردن جمعیت تازه و بیشتر ایرانی در عرصه های خاکی ایران هم یکی از همین استدلالها بود که در دوره های اخیر مطرح می شد. در سال های گذشته وزارت نیرو جرئت اعتراف به واقعیت را نداشت؛ اما حالا بحران خشک سالی به اندازه ای رسیده که مسئولان متوجه قهقراي کشور شده اند، زیرا در حال حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می کنند و این از نظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ ایران با بهره برداری از ۹۷ درصد آب های سطحی خود عملاً تمام رودخانه های خود را خشک کرده است و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است. این موضوع به معنای آن است که اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند. مسئولان دولتی تا امروز باور نداشتند که کشور دارد رو به قهقرا می رود و حالا متوجه این موضوع شده اند که کمی دیر است؛ مطابق با استانداردهای جهانی درصد بهره برداری از آب های سطحی نباید بیشتر از ۴۰ درصد باشد. این در حالی است که بیشتر کشورهای پیشرفته حد ایده آل بهره برداری برای حفظ منابع آبی خود را لحاظ کرده اند که حداکثر ۲۵ درصد برداشت است. تنها دو کشور در جهان وجود دارد که با بهره برداری بی رویه از منابع آب های سطحی در معرض بحران جدی قرار گرفته اند و آن دو کشور ایران و مصر است. این در شرایطی است که میزان بهره برداری از آب های سطحی در مصر به ۴۶ درصد و در ایران با اختلاف فاحش به ۹۷ درصد رسیده است. برای این که عمق فاجعه را بهتر متوجه شوید عملکرد برخی از کشورهای جهان را در بهره برداری از آب های سطحی سرزمینشان مرور می کنیم: ژاپن ۱۹ درصد، آمریکا ۲۱ درصد، چین ۲۹ درصد، هند ۳۳ درصد و در کشوری مانند اسپانیا که از لحاظ اقلیم و ویژگی های جغرافیایی به ایران شباهت دارد تنها ۲۵ درصد. این موضوع به آن معنی است که حتی در صورت بارش ایده آل و نفوذ آب به زیر زمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، در نتیجه آب در سطح خاک جاری شده و تبخیر می شود. این موضوع شورت تر شدن خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن را به دنبال داشته است. در حال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها از نظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می شوند. به عنوان مثال در حال حاضر شاهرود و نیشابور از نظر هیدرولوژی شهر مرده به حساب می آیند و بخش عمده ای از شهرستان رفسنجان نیز شهر مرده تلقی می شود. مطابق برآوردهای علمی، منابع کشتش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟! در حال حاضر در جزیره ماندیل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه و بیگاه به زیر آب می رود. این در شرایطی است که ماندیل تنها ۳۰ هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. ما چگونه می خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره اندیشی کنیم؟ خود بنده در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی به خانم دکتر ابتکار شخصاً نامه نوشتم و گفتم واقعاً آب نیست و از لحاظ منابع آبی داریم رو به بحران می رویم. ایشان بی توجه شد و گفت چنین چیزی نیست! سازمان محیط زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است. همین الان آقایان هنوز دارند درباره خودکفایی در محصولات کشاورزی صحبت می کنند. برای نوشتن برنامه ششم دوباره موضوع خودکفایی را به میان کشیدند که من برگشتم به آقای نوبخت گفتم تو را به دین و ایمانت بگو این مزخرفات را کنار بزنند. با این منابع آبی موجود و در صورت استفاده از مدرن ترین تکنولوژی های صنعتی و در صورت فرض محال رسیدن به بهره وری ۱۰۵ درصد تا سال ۱۴۰۴ تنها می توانیم برای ۳۳ میلیون نفر غذا تولید کنیم. این در شرایطی است که بهره وری ما در حال حاضر تنها ۲۰ درصد است. آمار و ارقام و گزارش علمی ارائه دادم. گفتم اگر می خواهیم به جمعیت ۱۵۰ میلیون نفر برسیم قبل از هر چیز باید منابع آبی را نجات دهیم و پس از آن توان تولید ما در کشاورزی، تأمین غذا برای ۳۳ میلیون نفر است برای تأمین غذای بقیه جمعیت باید به واردات فکر کرد. در بسیاری از موارد شیرین کردن آب شور صرفه اقتصادی ندارد. جالب است که بدانید اشتهای مدیریتی سال های گذشته باعث شده است که ما هزینه کلانی بدهیم و آب شیرینمان را به آب شور تبدیل کنیم آن هم آب شوری که غلظت نمک آن ۳۰۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است! در سال ۵۱ آمریکایی ها به ایران آمدند و درباره پروژه احداث سد گتوند پژوهش کردند. طبق گزارش آمریکایی ها محل سد باید ۱۴۰۵ کیلومتر پایین تر از مخزن سد قرار می گرفت. علت این موضوع وجود گنبد های نمکی گزارش شده بود اما مدیران وقت این گزارشها را خیانت آمریکا به ایران دانستند و سد را روی گنبد های نمکی احداث کردند. در آن زمان ۱۲۰ میلیارد تومان هزینه شد تا پتوی رسی روی گنبد های نمکی قرار بگیرد اما با اولین آبیگری تمام پتوهای رسی از بین رفته و آب شیرین پشت سدها به آب شوری تبدیل شد که غلظت نمک آن ۳۰۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است. حالا این سد با مجموع سرمایه گذاری ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان علاوه بر شور کردن آب شیرین، سالانه ۳۰۵ تن نمک به اراضی خوزستان اضافه می کند و خاک حاصلخیز منطقه را شور کرده است. در زمان آقای احمدی نژاد، به ایشان اعلام شد اشتهای دوم را انجام نده و سد را آبیگری نکن که آب شیرین به آب شور تبدیل شود اما ایشان کار را به پیمانکار واگذار کرد تا دو خط لوله به طول ۲۷۰ کیلومتر از زیر سد رد کنند. برای این کار ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شد که در نهایت از لوله ای به قطر یک متر و ۱۰ سانتی متر تنها ۲۰۰ لیتر آب خروجی داشته باشیم. مشکل ما نه تنها به برداشت بی رویه آب مربوط می شود که سد سازی های بی حساب و کتاب به این مشکلات دامن زده است. مسئولان ما از سد سازی به عنوان سند افتخار خود یاد می کنند اما از بس سد ساخته شده است دیگر در رودخانه ها آبی جاری نمی شود. در حال حاضر ۴۲ درصد روان آبها به دلیل سد سازی کاهش داشته و به خشک شدن بسیاری از رودخانه ها منجر شده است. برای این که بتوانیم ظرف ۵ تا ۶ سال آینده به حالت نرمال برسیم باید سطح برداشت آب از منابعمان را به نصف برسانیم و کار را باید از همین امروز شروع کنیم چرا که تا الان هم دیر شده است. باید سطح برداشت آب از ۹۶ میلیارد مترمکعب به ۵۶ میلیارد مترمکعب برسد. این موضوع در حال حاضر برای ما ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه دارد این در صورتی است که در دوره خاتمی این موضوع را تنها با ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه می شد مدیریت کرد اما متأسفانه مدیران کشور تا امروز باور نداشتند که بحران جدی است و حالا این موضوع کم کم دارد بین دولت مردان جا می افتد و البته این هزینه گزاف هم برای نجات تمدن ایران و کشور ضروری و غیرقابل اجتناب است. آب، نفت نیست. بلایی که ما سر نفت آوردیم را نمی توانیم سر آب بیاوریم زیرا حیاهان و موجودیت کشور به آب بستگی دارد. برای اجرای سیاست های نجات بخش آب باید جدیت داشته باشیم و از واکنش عده ای نترسیم. بحران آب دیگر شوخی بردار نیست. دولت باید برای نجات کشور از بحران خشک سالی جسارت و جدیت بیشتری به خرج دهد. همسایگان ما منابع کافی برای صادرات آب شیرین را در اختیار ندارند، در این زمینه با چند کشور نیز مذاکره شده اما نتیجه بخش نبوده است. به عنوان مثال تاجیکستان اعلام کرد آبی برای صادرات ندارد و جمهوری آذربایجان نیز حاضر شد سالانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب به ایران انتقال دهد آن هم برای مدت محدود که با هزینه های سنگین حمل و نقل و میزان ناچیز توافق شده، این طرح توجیه اقتصادی کافی ندارد. متن خلاصه می باشد